

پذیرایی علامه از مهمانان

آیت‌الله با لبخند و مزاح فرمودند که بله هماهنگ شده بود و من هم منتظر شما بودم، فقط خواستم لحظه‌ای منیت و غرور مدیریت را از شما دور کنم و آن را در پشت در و در کوچه بگذارم. ایشان برای رفع تردید مهمانان که همچنان ادامه داشت، به آماده بودن میوه و چای و وسایل پذیرایی در منزل اشاره کردند و با مهربانی تمام همگی را به داخل منزل راهنمایی کردند.

این حرکت استاد در روحیه تمامی افراد، تحولی عمیق ایجاد کرد و دوستانی که خیلی زود علامه را قضاوت کردند، سخت پشیمان شده و خجالت زده بودند. جالب اینکه استاد خود تنها در منزل بودند و با آرامش خاصی اقدام به چیدن بشقاب و آوردن میوه و چای کردند که با التماس و خواهش از ایشان خواسته شد که بنشینند و اجازه بدهند جوانان

ترتیب پذیرایی را بدهند. علامه با این حرکت خود درس بزرگی به همه افراد حاضر داد، اینکه زحمت مهمانان او بر دوش خانواده یا کسی دیگر نبود و خودش را با آن جایگاه رفیع علمی و مذهبی مکلف به پذیرایی از مهمانان می‌دانست، بدون غرور و تکبر و با فروتنی تمام.

حالا استاد علامه سعی می‌کرد با صحبت‌های شیرین و جذاب فضای به‌وجود آمده قبلی را تلطیف کند. هر کس از ایشان برای عکس گرفتن ۲ نفره اجازه می‌گرفت، بدون هرگونه منیت بلند می‌شدند و در هر جهتی که لازم بود می‌ایستادند و حتی خودشان هم برای عکس بهتر پیشنهاد سوزه می‌دادند و حین عکس گرفتن با فرد یا افراد کنار خود به مزاح و به زیبایی هر چه تمام‌تر، ارتباط کلامی برقرار می‌کردند تا مهمانان معذب نباشند.

باورش سخت بود کسی که او را ذوالفقون و علامه دهر می‌نامیدند و آثار تألیفی بسیاری در زمینه‌های فقه، فلسفه، اخلاق، عرفان، کلام، ریاضیات، نجوم، ادبیات عربی و فارسی، علوم طبیعی، طب قدیم، علوم غریبه و... داشتند و همچنین از اعتبار و جایگاه خاص و رفیعی در بین اقشار مختلف جامعه برخوردار بودند، این گونه با نهایت تواضع و اخلاق با مهمانان رفتار کنند؛ چای بریزند و تا کمر در مقابل مهمانان خم شوند و... آن چنان پر انرژی و مهربان سخن می‌گفتند که سخنان شان تا عمق دل نفوذ می‌کرد.

خبرگزاری مهر



در یکی از روزهای برگزاری سمیناری فرهنگی در اوایل دهه ۷۰، قرار بود مدیران کل استان‌ها، سفری به شهر قم داشته باشند و دیداری با آیت‌الله حسن‌زاده آملی انجام شود. هماهنگی‌های این ملاقات توسط رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان قم انجام شده بود. مهمانان که عموماً مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها و همچنین جمعی از مدیران ستادی بودند با اتوبوس به قم رفتند و در محدوده منزل علامه، در کوچه پس‌کوچه‌های کاهگلی به سمت منزل ایشان به‌صورت پیاده حرکت کردند. وقتی که به در منزل ایشان رسیدند یکی از مدیران زنگ منزل علامه را به صدا درآورد. چندین بار زنگ منزل به صدا درآمد و خبری نشد. تقریباً همه فکر کردند کسی خانه نیست که ناگهان و با کمال تعجب در با تأخیر زمانی زیادی توسط علامه

حسن‌زاده آملی باز شد، علامه تمام قد در آستانه در ایستادند و بعد از پاسخگویی به سلام و علیک دوستان، گفتند: بفرمایید. متولیان برنامه به ایشان یادآوری کردند که مهمان مدیران ارشادی هستند و در این ساعت برای ملاقات با ایشان هماهنگی شده است و... که علامه با خونسردی تمام اعلام بی‌اطلاعی کردند و باعث تعجب همگی شدند. برای ایشان مجدداً توضیح دادند که آقایان مدیران از شهرهای مختلف آمده‌اند و آقای فلانی روز گذشته با شما هماهنگ کردند و اگر اجازه بدهید با توجه به مسافت طولانی که مهمانان آمده‌اند، چند لحظه‌ای مزاحم شویم و... که مجدداً ایشان حرف‌های قبلی را تکرار و از پذیرش مهمانان سر باز زده و در منزل را به روی مهمانان بستند.

این رفتار استاد حسن‌زاده که دور از انتظار بود، باعث تعجب مهمانان شده و رفته رفته غرورها شروع شد: ...ایشان استاد اخلاق بودند؟! ... این رسم مهمان نوازی نبود. رئیس ارشاد قم برای مقامات مافوق خود توضیح می‌داد و تأکید می‌کرد که هماهنگ کرده و... همین ماجرا باعث بگو مگو و اختلاف مدیران و متولیان در پشت در منزل استاد شد. به‌ناچار مدیران و مهمانان با ناراحتی به سمت اتوبوس‌ها حرکت کردند. هنوز جمعیت فاصله‌ای از منزل علامه نگرفته بودند که ایشان در منزل را مجدداً باز کردند و به داخل کوچه آمدند و مهمانان را صدا زدند و به داخل منزل دعوت کردند. این اتفاق به کلی باعث سردرگمی مهمانان شده بود که چه شده؛ نه به آن بستن در منزل و نه به این دعوت کردن.



دوری از غرور و تکبر با فروتنی

احمدبن محمد مهدی فاضل نراقی، معروف به ملا احمد نراقی از فقهاء عالمان شیعه و علمای اخلاق در قرون دوازدهم و سیزدهم هجری قمری در تعریف تواضع و معنای اصطلاحی آن گفته است: «تواضع آن است که انسان، خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین‌ترند، برتر نداند و نیز به معنای شکسته نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن کردار و گفتاری است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می‌کند.» باید توجه داشت که مفهوم تواضع به معنای کوچکی کردن و به دیگران ارج نهادن است، نه آنکه خوار کردن خود و زیر بار ذلت رفتن باشد؛ بنابراین تواضع آن است که انسان خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین‌ترند، برتر نداند و نیز به معنای افتادگی آمده است که آدمی خود را از دیگران بالاتر نبیند؛ بنابراین تواضع اقدامی است که انسان داوطلبانه در برابر دیگران به دلیل امتیازاتی که در آنان احساس می‌کند، انجام می‌دهد. ممکن است فردی خود را برابر دیگران از جهتی یا جهاتی دارای امتیاز ببیند، برای اینکه می‌آید به غرور و تکبر مبتلا شود، باید به جهات امتیاز خود توجه نکند، بلکه به امتیازهای دیگران، حتی احتمال باره‌ای امتیازات در آنان توجه کند و به دلیل همان جهات امتیاز فروتنی کند.

معراج السعاده

آیت‌الله حسن‌زاده آملی در کلام رهبری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: «این روحانی دانشمند و ذوالفقون از جمله چهره‌های نادر و فاخری بود که نمونه‌های معدودی از آنان در هر دوره، چشم و دل آشنایان را می‌نوازد و توأم دانش و معرفت و عقل و دل آنان را بهره‌مند می‌سازد.» ۱۴۰۰/۰۷/۰۴ منبع: سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای



عیادت رهبر انقلاب از آیت‌الله حسن‌زاده آملی

در زمان بستری بودن آیت‌الله حسن‌زاده آملی در بیمارستانی در تهران، مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با حضور در بیمارستان محل بستری شدن این عالم دینی، از آیت‌الله حسن‌زاده آملی عیادت کردند و در جریان مداوای ایشان قرار گرفتند.

